



مسئول جدید

یک باب کتابخانه

روح... مال میر



کارشناس ارشد هنرهای نمایشی

نداشته باشید؟ خودم نام این کتاب را از روی فهرست کتابها نوشته‌ام.» هر چه من انکار می‌کردم، اصرار او بیشتر می‌شد، تا حدی که خودم به حیاط رفتم و فهرست کتابها را نگاه کردم. در کنار یکی از شماره‌های رنگ و رو رفته، عنوان کتابی نوشته شده بود که به سختی می‌شد آن را خواند. شماره کتاب همان شماره‌ای بود که دانش آموز نوشته بود اما به راستی، کتاب راز غار کجا رفته بود؟ دوباره به داخل کتابخانه برگشتم و همان قفسه را با دقت بیشتر نگاه کردم. بالاخره کتابی را که همان شماره روی عطف آن چسبانده شده بود، پیدا کردم اما عنوان کتاب «راز نماز» بود نه «راز غار»! متوجه شدم که به دلیل بدخطی و رنگ‌پریدگی فهرست کتابها، عنوان کتاب موردنظر ناخواناست. وقتی زنگ کلاس به صدا درآمد، به حیاط رفتم و فهرست کتابهایی را که سال‌ها قبل پشت شیشه نصب شده بود نگاه کردم. بیشتر عنوان‌ها کم‌رنگ شده بودند و خواندن آن‌ها دشوار بود. پس فکری مثل برق از ذهنم گذشت؛ باید در اولین فرصت از کتابهای کتابخانه فهرست جدیدی تهیه و در پشت پنجره نصب می‌کردم. همان روز موضوع را با معاون مدرسه مطرح کردم و قرار شد که چند روزی بعد از زنگ آخر در مدرسه بمانم و این کار را انجام دهم. بعد از ظهر همان روز اول موضوع مهمی فکر مرا به خودش مشغول کرد. تعداد کتابهای کتابخانه خیلی بیشتر از فهرستی بود که قبلاً پشت شیشه نصب کرده بودند. پس تصمیم گرفتم کتابها را موضوع‌بندی کنم و فهرست آن‌ها را براساس موضوعات قدیمی و جدید بنویسم، اما مشکل ادامه داشت. در بین قفسه‌ها کتابهایی وجود داشت که

یادم نیست در دوران مدرسه اولین کتاب غیردرسی‌ای که خواندم، چه نام داشت و آن را از کجا تهیه کرده بودم، و یا کلاس چندم بودم که برای اولین بار عضو کتابخانه مدرسه شدم، اما مثل روز برایم روشن است که سال‌های آخر دبیرستان یکی از مشغولترین پر و پاقرص کتابخانه مدرسه‌مان بودم. این علاقه مستمر من به کتاب و کتابخانه آن قدر زیاد بود که بالاخره در سال سوم دبیرستان معاون مدرسه‌مان مسئولیت کتابخانه را به من داد و کلید آنجا را به دست من سپرد. روزی که معاون مدرسه در مراسم صبحگاه مرا به‌عنوان مسئول جدید کتابخانه به دانش‌آموزان معرفی کرد، روز خاطره‌انگیزی بود. از خوشحالی روی پاهایم بند نمی‌شدم؛ مدام در حال رفت و آمد به کتابخانه بودم و به تمام قفسه‌های آن سرک می‌کشیدم. از اینکه کلید کتابخانه را در جیبم داشتم و هر وقت که دوست داشتم می‌توانستم به آنجا بروم، خیلی خیلی خوشحال بودم. از آن روز به بعد، در زنگ‌های تفریح سریع به کتابخانه می‌رفتم و پنجره کوچک آن را که به حیاط مدرسه باز می‌شد، می‌گشودم تا به دانش‌آموزانی که برای دریافت کتاب مقابل پنجره می‌ایستادند، کتاب بدهم. یکی از روزها، دانش‌آموزی به جلوی پنجره آمد و با دادن شماره‌ای که از روی فهرست کتابهای پشت پنجره نوشته بود گفت که کتاب «راز غار» را می‌خواهد. من هم به شماره کتاب نگاه کردم و با عجله به طرف قفسه‌ها رفتم. هر چه نگاه کردم، کتابی با این عنوان پیدا نکردم. به کنار پنجره برگشتم و به دانش‌آموز گفتم که چنین کتابی در کتابخانه نداریم. دانش‌آموز با اطمینان گفت: «مگر می‌شود

معلوم نبود مخاطب آن‌ها کیست و قرار است چه کسی آن‌ها را بخواند، کتاب‌هایی مثل ۹ ماه انتظار (ویژة مادران باردار)، هر آنچه مردان و زنان جوان باید بدانند و ... حتی بعضی از کتاب‌ها به زبان عربی یا انگلیسی بودند و ترجمه فارسی هم نداشتند. روز بعد، موضوع را با معاون مدرسه مطرح کردم. او هم به کتابخانه آمد و کتاب‌های داخل قفسه‌ها را از نظر گذراند. سپس، از کتابخانه بیرون رفت و چند لحظه بعد با چند کارتن کوچک بازگشت. او از من برای آن همه دقت و توجه تشکر کرد و گفت که هر کتابی را که برای دانش‌آموزان مناسب نیست، داخل کارتن بگذارم و بعد، کارتن‌ها را در انباری مدرسه قرار دهم تا در فرصتی مناسب برای آن‌ها تصمیم‌گیری شود.

این کار چند روزی طول کشید و من بعد از یک هفته توانستم سروسامان تازه‌ای به کتاب‌های کهنه و تازه کتابخانه بدهم و فهرست جدیدی برای دانش‌آموزان تهیه کنم. حالا سال‌ها از آن روز می‌گذرد. من معلم شده‌ام و بیش از یک دهه است که در مدارس مختلف تدریس می‌کنم. هر سال اول مهر اگر به مدرسه جدید وارد شوم، اول از همه به سراغ کتابخانه می‌روم تا ببینم کتاب‌های موجود چه وضعیتی دارند.

اینکه در کتابخانه‌های کلاسی و غیر کلاسی مدارس چه کتاب‌هایی وجود دارد، نکته بسیار مهم و حساسی است که مدیران، معلمان و معاونان مدارس باید به آن توجه کنند و اجازه ندهند که هر کتابی تحت‌عنوان هدایی و ... به مجموعه کتاب‌های کتابخانه اضافه شود و در دسترس دانش‌آموزان قرار گیرد.

بعدها که در کسوت مقدس معلمی مشغول به کار شدم، دریافتم که انتخاب کتاب برای کتابخانه‌های مدارس یا معرفی کتاب به دانش‌آموزانی که به دنبال کتاب‌های خاصی با موضوعات خاص هستند، نوعی مهارت است و تخصص و آگاهی می‌خواهد و از هر کسی ساخته نیست. بعد از کمی تحقیق و جست‌وجو فهمیدم که بخش کوچکی از وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد فرهنگی مؤثر، در هدایت پدیدآورندگان (ناشران، مؤلفان و مترجمان) در جهت تولید و انتشار کتاب‌های آموزشی مورد نیاز دانش‌آموزان و معلمان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و هر ساله با انتشار نشریه‌ای با عنوان «کتاب‌نامه رشد»، می‌کوشد این آثار را به راحتی در دسترس مدیران، معلمان و معاونان آموزشی و پرورشی مدارس قرار دهد.

کتاب‌نامه رشد مرجعی مطمئن برای آشنایی با کتاب‌های مناسب

بیش از دو دهه است که وزارت آموزش و پرورش «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» را با هدف ایجاد مرجعی مطمئن برای آشنایی با کتاب‌های مناسب به اجرا گذاشته است. مجریان این طرح، برای سامان‌بخشی به وضعیت کتاب‌های آموزشی و هدایت پدیدآورندگان آن‌ها، در مسیر تحقق اهداف و سیاست‌های کلی نظام آموزش و پرورش منطبق با اهداف متعالی

نظام مقدس اسلامی و نیازهای روز دانش‌آموزان، معلمان و اولیا، این چند حرکت اساسی را در دستور کار خود قرار داده‌اند:

۱. اعلام استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی برای پدیدآورندگان و اعلام نیازهای آموزش و پرورش و ارائه خدمات کارشناسی؛

۲. انتشار «کتاب‌نامه رشد» با هدف ارائه فهرست توصیفی مناسب و مرتبط با برنامه درسی دوره آموزش ابتدایی و متوسطه؛

۳. برگزاری دوره‌های جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد با هدف کلی حمایت، هدایت و پشتیبانی از فعالیت پدیدآورندگان (ناشران، مؤلفان و مترجمان) که در جهت اهداف برنامه‌های آموزشی و درس آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند.

از سوی دیگر، شناسایی و طبقه‌بندی کتاب‌های علمی و آموزشی موجود می‌تواند قدمی در راه توسعه محیط آموزشی و تقویت فرایند یاددهی-یادگیری محسوب شود و ابزاری کارآمد برای تقویت نظام آموزشی کشور باشد.

یکی از قدم‌های مهم و مؤثر در جهت رسیدن به اهداف فوق، شناسایی کتاب‌ها و آثار علمی و آموزشی مرتبط با برنامه‌های درسی و معرفی توصیفی آن‌ها به معلمان مدارس دوره ابتدایی است.

برای دیدن فهرست کتاب‌نامه‌های رشد می‌توانید به نشانی

<https://samanketab.roshdmag.ir>

مراجعه و روی عنوان دلخواه کلیک کنید.

در راستای معرفی و تبیین فعالیت‌های انجام شده در «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی»، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۲ اقدام به تولید یک نمونه فیلم کوتاه مستند ۱۵ دقیقه‌ای نمود که در آن وضعیت دو کتابخانه در تهران و یک کتابخانه در یزد بررسی شده است. در این فیلم کوتاه به خوبی نشان داده شده است که هنوز برخی از مدیران و مربیان مدارس از کتاب‌نامه‌های رشد بی‌اطلاعند و در عوض، در کتابخانه‌های چنین مدارس کتاب‌هایی وجود دارد که اصلاً برای دانش‌آموزان مناسب نیستند و بیهوده قفسه‌های کتابخانه‌های کوچک مدارس را پر کرده‌اند.

برای دریافت این فیلم کوتاه می‌توانید به یکی از روش‌های زیر اقدام کنید:

الف) تماس با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۹ (گروه تولید فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد)؛

ب) ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی goroohonar@gmail.com (با ذکر نام، شماره تلفن، کدپستی و نشانی دقیق).

دریافتیم که
انتخاب کتاب
برای کتابخانه‌های
مدارس یا
معرفی کتاب به
دانش‌آموزانی
که به دنبال
کتاب‌های خاصی
با موضوعات
خاص هستند،
نوعی مهارت
است و تخصص و
آگاهی می‌خواهد
و از هر کسی
ساخته نیست